

برخی گمانه ها پیرامون شوک آزاد سازی و گذر نرخ ارز در بخش کشاورزی



برخی گمانه ها پیرامون شوک آزاد سازی و گذر نرخ ارز در بخش کشاورزی

یادداشتی از : دکتر حسین شیرزاد

مدیرعامل و رئیس هیات مدیره سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران میزان اثرپذیری قیمت ها از تغییرات نرخ ارز در بخش کشاورزی ایران دارای مدل های تناقض نمای متعددی است اما تقریباً همه اتفاق نظر دارند که نرخ ارز از دو کانال بر قیمت های بخش کشاورزی اثر می گذارد اول اثر مستقیم و از طریق اثرگذاری بر قیمت تمام شده وارداتی محصولات بخش کشاورزی که اثرات آنی دارد؛ دوم، اثر غیر مستقیم و از طریق اثرگذاری بر قیمت نهاده های اولیه یا ارزش ویژه نهاده های واسطه ای مورد استفاده در بخش که تأثیرات بلند دامنه تری دارد و البته با تغییر در رفتار سیاست گذار پولی یعنی سیاست های اصلاحی تدریجی ارزی با ثبات و کنترل کننده تورم، کاهش نوسانات تورم و بازتر شدن اقتصاد شاید زودتر به تعادل برسد. در ادبیات مالی از این روابط متأثر تحت عنوان گذر نرخ ارز (Exchange Rate Pass-Through) یاد می شود که در واقع به قیمت واردات و قیمت های

داخلی در اعمال سیاست پولی؛ و مآلا اثر نرخ ارز بر قیمت های داخلی در بازارهای ملی اشاره دارد. نتایج یک تحقیق در ابتدای دهه ۱۳۹۰ گذر نرخ ارز در ایران را بین ۳۲ تا ۴۱ درصد برآورد نموده است. تاثیر نپذیرفتن گذر نرخ ارز از سطح قیمتها؛ متاثر از نوسانات نرخ ارز و تورم و درجه باز بودن اقتصاد است. گذر نرخ ارز در هر یک از بخشهای کشاورزی، صنعت و خدمات یکسان نبوده و میزان سرعت و دامنه اثرگذاری متفاوتی دارد. همچنین عوامل خاصی باعث کاهش در گذر نرخ ارز می شود. بعنوان مثال یکسان سازی نرخ ارز باعث افزایش گذر نرخ ارز می شود. طرفه اینکه امروزه آشکار شده که سیاست هدفگذاری تورم بر میزان گذر نرخ ارز موثر است. اما اثرگذاری نرخ ارز بر تورم داخلی انواع کالاها و نهاده های وارداتی کشاورزی چقدر است؟ برای جواب به این سؤال ما نیاز به محاسبه دقیق ساختارهای آماری- مالی گذر نرخ ارز برای اقتصاد کشاورزی ایران داریم. پارامترهایی نظیر پاسخ تورم مصرف کننده به ضربه نرخ ارز در مقام مقایسه با پاسخ تورم تولیدکننده به ضربه نرخ ارز؛ عوامل ملی اثرگذار بر نرخ ارز انتقالی مانند محیط تورمی، وضعیت تقاضا، ضرایب ریسک نظام ارزی، درجه باز بودن اقتصاد، نوسانات تورم، سیاست های پولی و متغیرهای بازاری بخش کشاورزی مانند فورماسیون ساختار بازار کشاورزی، تقاضای بازار، محدودیت های بازار کشاورزی مانند تعرفه ها و چسبندگی بازار و ساختار متنوع شرکتهای (ذی نفعان و ذی مدخلان)، درجه واردات محور بودن نهاده ها، سهم بازار، برتغییرات قیمت گذاری بعد از تغییر نرخ ارز اثرگذار است. امروزه می دانیم آزادسازی یکباره نرخ ارز تأثیر زیادی بر شاخص قیمت مصرف کننده چه از جنبه انتظارات تورمی و و نقدینگی انباشت شده چه از جنبه شاخص قیمت تولید کننده دارد، و در پی آن نوسان قیمت های نسبی، با ناپایدار کردن شرایط اقتصاد تولید و افزایش تورم موجب کاهش حجم تجارت و افزایش نااطمینانی در عرصه تجارت خارجی کشاورزی شده و در بلندمدت، وخامت تراز تجاری بخش کشاورزی ایران را در پی خواهد داشت.

به نظر می رسد امروزه اثبات شده که در کشورهایی نظیر ایران؛ آزادسازی یکباره نرخ ارز میتواند مضر باشد زیرا بخش کشاورزی سریع ترین واکنش را به تغییرات ارزی نشان میدهد بویژه در رسته هایی که واردکننده نهاده های کشاورز هستیم از افزایش قیمت های جهانی بواسطه تحمل توامان شوک عرضه و شوک تقاضا در حداقل ۹ فقره کالاهای اساسی و ضروری (گندم، برنج، روغن خام، گوشت قرمز، شکر، حبوبات، علوفه، پنبه، شیر خشک، کره)؛ این کالاها نیاز روزمره کشور

بوده و تولید داخلی پاسخگو نیست.

نهاده های عوامل تولید دام و کشاورزی (ذرت دانه ای، جو، کنجاله سویا، نهاده های دامپروری، عوامل تکثیر دام، بذر و نهال، سموم و عوامل بیولوژیک، کود، نهاده های شیلات، واکسن ها، مکمل ها و دارو های دامی و طیور) و ماشین آلات با تکنولوژی بالا (ماشین آلات تخصصی آب و خاک، ماشین آلات کشاورزی و تجهیزات دامپروری)؛ آسیب خواهیم دید. حتی رژیم کوددوری مزارع ما با کودهای وارداتی گرانقیمتی مانند سوپر فسفات تریپل و سولفات پتاسیم تحت تاثیر قرار خواهند گرفت. این در حالی است که هم ارتفاع خاک زراعی و هم ماده آلی خاک زراعی در حال کاهش و نیاز بیش از ۶۰ درصد از سطح زیرکشت زراعی کشور به کود گریزنا پذیر است.

آزاد سازی نرخ ارز در بخش کشاورزی بستگی به آنکه گذر نرخ ارز ناقص یا گذر نرخ ارز کامل باشد اثرات قابل توجهی بر روی قیمتها دارند؛ به عبارت دیگر، گذر نرخ ارز به شاخص قیمت واردات، نسبت به شاخص قیمتهای عمده فروشی و مصرف کننده باید تک به تک در کلیه زیر بخش ها مطالعه و با دقت «سطح قیمت کالاهای وارداتی»، «انتظارات تورمی در دوره کاهش ارزش پول»، «هزینه تعدیل قیمت ها» و «شرایط تقاضا» مورد مذاقه قرار گیرد. مثلا این پارامترها باید به تفکیک در زیر بخش های مختلف بخش کشاورزی مثل واردات افزودنیها و مکمل های تغذیه ای در خوراک دام و طیور، واردات تجهیزات و ماشین مکانیزه و پیشرفته برای تولید خوراک دام و طیور، افزایش قیمت نهاده های تکثیر و پرورش میگو و ماهیان دریایی و قزل آلا و انتقال دانش فنی و تجهیزات شیلاتی و افزایش نرخ خدمات همکاری فنی شرکتهای خارجی با شیلات ایران، بویژه فناوری اصلاح نژاد قزل آلا، واردات تخم چشم زده قزل آلا، واردات تجهیزات قارچ خوراکی و گلخانه ای، واردات افزودنیها، ویتامین ها، واکسن ها و مکمل های تغذیه ای در خوراک دام و طیور، واردات تجهیزات و ماشین مکانیزه و پیشرفته برای تولید خوراک دام و طیور، واردات تلیسه گاو سمینتال و بز شیری سانن و آلپاین و بز موریسیا و گوسفندان گوشتی رومن، خریدهای خارجی ارقام و پایه های اصلاح شده خارجی، ملزومات تکنولوژی کشت بافت در فرآورده های گلخانه ای و باغی، تکنولوژی کشت بافت خرما، واردات محصولات از جمله اندامهای تکثیری، واردات انواع سموم و علف کش ها، بذور و کود در کنارگران شدن حضوربرندهای معتبر و مطرح حوزه تولید ماشینهای کشاورزی و تامین گران قطعات یدکی اصلی و باکیفیت از شرکتهای اصلی سازنده مآلا تغییر قیمت ماشین آلات کشاورزی و قطعات

یدکی؛ از جمله پیامدهای قابل بررسی است. (بپذیریم که مکانیزاسیون کشاورزی طی سالها معطوف به حوزه زراعت بوده و دیگر حوزه ها نصیب کمتری برده اند). وابستگی شدید به واردات بذور هیبرید، برخی از سموم مهم و عمده آفت کش ها با ارزبری سالیانه بیش از ۲۵۰ میلیون دلار، داروها، واکسن ها، مکملها، لیزین، میتیونین و... با ارزبری سالانه ۶۵۰ میلیون دلار، خرید سالیانه ۱۲ میلیون تن نهاده های دامی و در نهایت ارزبری بیش از ۱۴ میلیارد دلار از منابع ارزی برای واردات حدود ۳۵ میلیون تن کالاهای اساسی، همگی شناسه های مهمی از اثرات متغیر نرخ ارز بر فراگردهای تولید در بخش کشاورزی اند. نتایج و پیشینه نگاشته های حداقل ۱۱ تحقیق در اواخر دهه ۸۰ تا اوایل دهه ۹۰ شمسی در ایران نشان می دهد که اثر آنی و همزمان نرخ ارز بر تورم داخلی از ۱۰ تا ۱۳ درصد، اثر بلندمدت نرخ ارز بر تورم داخلی ۲۷ تا ۳۳ درصد، اثر تغییر در قیمت واردات بیش از دو برابر اثر نرخ ارز بوده و عمدتاً اثر شوک ارز بر قیمت های مصرف کننده بیشتر از قیمت های تولیدکننده بوده یعنی شوک در شاخص قیمت PPI (شاخص قیمت تولیدکننده) باعث افزایش CPI (شاخص قیمت مصرف کننده) به همان میزان میشود. البته شوک کاهش قیمت نفت، تحریم و کسری بودجه بر رشد قیمت های داخلی نباید نادیده گرفته شود. در پایان فراموش نکنیم که عمده تولیدات محصولات کشاورزی با درجه شدت و ضعف دارای بخش ارز بری بوده که اثرات یکباره افزایش نرخ ارز در ترکیب هزینه های تولید آنها مخرب خواهد بود. از سوی دیگر آزاد سازی یکباره نرخ ارز در شرایط تحریم دارای اثرات تورمی بوده و این افزایش تورم در قیمت تمام شده محصولات کشاورزی و غذایی تاثیرات مخربی خواهد گذارد. نرخ ارز را زمانی آن هم بطور تدریجی و گام به گام آزاد میکنند که اقتصاد ملی در حالت تعادل نسبی و با ثبات باشد، نه در زمان تحریم های شدید طالمانه، تلاطم ها و عدم قطعیت های اقتصادی بالا؛ آزادسازی دفعی و یکباره نرخ ارز به تورم تولید کشاورزی دامن زده و در نهایت به کاهش رقابت پذیری و گسترش فقر در جامعه کشاورزی منجر خواهد شد. بجای آزادسازی یکباره، ابتدا باید به آزاد سازی تدریجی و کاهش مداخله دولت در بازار تولیدات کشاورزی و نحوه دور شدن از انواع قیمتهای تثبیتی و پرهیز از هر گونه سرکوب قیمتی پرداخت. آرام آرام باید شرایط بخش کشاورزی به ارز دولتی (رانت آور) را تعدیل کرد و به شکل ها، اتحادیه های تعاونی و انجمن های تخصصی میدان عمل وسیع تری داد.